

حجاب

پرده دوشیزگان

مجموعه ایست

فلسفی، اجتماعی، اقتصادی، عمرانی

اثر خامه

محمد حسن ابن فضل الله

حائری مازندرانی

قیمت هر جلد: یکفران

طهران رجب ۱۳۴۳

محل فروش طهران خیابان ناصریه

کتابخانه شرق

مطبعه سعادت طهران

## اعلان

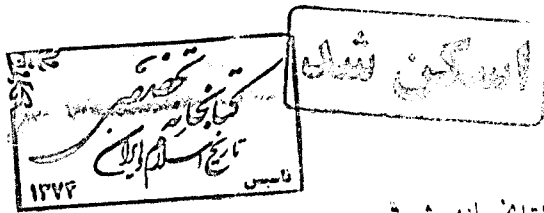
کتابخانه ازمستف این مجموعه آماده طبع شده از قرار ذیل است  
 مطابق اسلام کتابت املای تاریخی وطنی  
 خضوع طبیعت کتابت متن در اثبات صانع مشعشع پیرامین قلمسه اروپا  
 ترجمه اصول العقاید خواجه طوسی قدس سره  
 ترجمه تفسیر العنایت کالیف شارح سنو بیوس  
 پارلمان - تاریخ علوم دستور در عالم و مقایسه اش با حالت حاضره ما  
 یک نام و چند موا کتابت اجتهادی در چند مقاله خاصه میسرید

### ﴿ جالب توجه علماء و مجتهدین ﴾

کتابخانه از غامه مبارک حضرت مستطاب امام المحققین و برهان الموحیدین حجة الاسلام  
 و المصلین آقای آقا شیخ محمد صالح مجتهد حائری مالانصرانی مقیم بار فروش دامت  
 بختها نجل شیخ الصالحه آیه الله ز العالیین آقای آقا میرزا فضل الله مجتهد مالانصرانی  
 از برای طبع مستعد است بقرار ذیل است

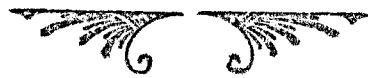
سپاهک الشعب دوره اصول فقه - (سای آسان) یک دوره فقه فارسی با ادله اجتهادی  
 (منظومه) دوره اصول بطور ازجوده - سایه برگزیده مرحوم آیه الله خراسانی - رساله  
 مقرر در محاسن - رساله مقرر در در خارج - رساله در وقت مختصر و مطول - رساله مقرر در  
 در طهارت - رساله مقرر در منجزات مریض - (ایمان طایفه در حرمت بقاء بر تقلید  
 میثا سرار مودونه) در موضوع علوم - (ید و یضاً) در تطبیق وجود ذهنی - حاشیه بر  
 شواهد حاشیه بر منظومه سیزدهای - عقاید کتابت فارسی پیرامین مکتبه - عمل صالح  
 دوره فقه لایه - لوح محفوظ یک دوره فقه فارسی یکجوره از او طبع است - افکار  
 بدیهه مسابله ای با مرحوم میر سید علی خاں کبیر در علم مروت

هر کس بخواهد طبع هر یک از کتب فوق است بمحضرت مستطاب امامت افاضه در بار فروش  
 مراجعه نماید



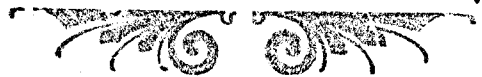
از نشریات کتابخانه شرق

## حجاب



یا

## پردۀ دوشیزگان



❦ مجموعه ایست ❦

فلسفی - اجتماعی - اقتصادی - عمرانی

❦ از خنامه ❦

محمد حسن بن فضل الله

حائری مازندرانی

طهران - رجب ۱۳۴۳

❦ مطبعه نهضت شرق ❦



پذیرفتن آن شالوده اولین مرتبه تربیت موالید بشر که زمینه انشاع  
و سود مندی از تعلیمات مدرسیرا درست میکند و بدون مراعات  
آن مرتبه و کلاس اول که در دامن های باک مادران رنجبر  
مهربان تشکیل میشود اگر آن سهل انگاری حیات آن طفلرا از بین  
نبرد مدرسه فرستادن آن بیچاره محروم از کلاس اول - پول  
خرج کردن در باره او • اروپا فرستادنش همه این سرد  
کوبیدن است • و بقبول نمودن آن شالوده باید تفاوت ابدی سلمه  
بشر را خریدار شویم وقایع باشیم که موالید ما همین قدر از جهت  
شکل با سایر حیوانات تفاوت دارند اگر چه مانند باقی حیوانات  
بارکش در دوره زنده کانی خود مستخدم و فرمان بردار یکدسته  
مردمان فرزانه نیرومندی باشند که تفاوتشان با ما فقط بواسطه  
این نیم سطر است (آنها تربیت دیدند ما ندیدیم) پس ناچار  
دوشیزکان • مدرسه باید بروند • علم رضاء ترا باید بیاموزند •  
کیفیت نگاه داری طفلرا یاد بگیرند حفظ الصحه طفلرا تحصیل کنند  
بسیاری از امراض اطفالرا تشخیص دهند تا بملکات فاضله امانت  
و راستی • و تقوی • و خدا پرستی - و مناعت نفس - و دوری  
جستن از ذلت - و عزم - و اقدام و شجاعت - و حب علم - و  
روح وطن پرستی موالید خودرا تربیت کنند - و در علم تدبیر  
منزل که در زعم دوشیزکان است ماهر شوند - ولی باید دانست  
که آیا قیام باین فرائض با حجاب و پرده پوشی دوشیزکان منافعی  
است ؟ آنها نمیشود با پرده پوشی و عفت مفروشی با مدرسه و معارف



و مملکت فاضله آشنا شد ؟؟

ما برای آنکه بسیاری از اوهام را از حرم پرده پوشی دوزخگان دور کنیم این منشور را بر اشخاصیکه خامه مجزم خود را در اطراف این موضوع حرکت میدهند تقدیم میداریم

مسئله حجاب سالها است که مورد بحث و کشمکش مردمان فرزانه شرق شده و بسیاری از نویسندگان مشرق زمین عقیده دارند که نباید رخسار دوشیزگان پرده پوش باشد و عالم تسوان شرق از جمعیت زنان اروپا باید پیروی نمایند چنانچه باید از همان راهی که نژاد متوحش اروپا خود را باین مقام شامخ مدیون رساندند و در جامعه بشری بناموس نوازن (اقتصاد جنگ صالح) معرفی شدند و هر قوه ثیرا برای استخدام مقهور قوه خود نمودند تبعیت نمود ما در این تکارش ناچیز نمیتوانیم سلسله علل ترقی اروپا را یک بیک شرح دهیم و بطور مقابله جامعه تاریک خود ما را با محیط روشن آنها بسنجیم - ولی بطور فهرست باید در این چند صفحه علل انحطاط و پستی ایشان را پیش از طلوع کوکب تمدن جهان گیر اروپائی بیان نمود پس از آن بسنجیم از آن موجبات تنزل و انحطاط در ما چه هست تا آنکه برای برطرف نمودن آن موجبات سقوط و پستی خامه را آزاد و در نشر و انفاس از جان بگذریم و مگذاریم سلسله هائیکه در این مرز و بوم خواهند زندگانی کرد رخسارشان بگرد ذلت آلوده باشد

موجب پستی اروپائیهما تا اواخر قرن شانزدهم اموری بود که دیلا



بطور اجمال بذکرش میپردازیم

(اول) رواج دین رهبانی که در جامعه ما دین مقدس اسلام از او بری است (وقال الله تعالی) [وجعلناکم امة و سبطاً] و لاقل من حرم زینة الله التي اخرج لعباده ﴿﴾ (وقال النبی ص) لارهبانية في الاسلام [دوم] مالکیت مطلقه ملوک اروپای آن عصر حتی مالکیت بر نوامیس و نفوس چنانچه قیصرهای روسیه از برای این امر شنیع بهترین مظہری بودند و مردم روسیه امر قیصر را امر آسمانی میدانستند و اراده او را اراده خدا میگفتند چنانچه در شرقهم این خصالت و شیوه جباری نایک قوتی پیش از ظهور اسلام رائج بود (سوم) تسلط جابرانه ملاکین بر فلاحان و نجیب که قسائوت متین اسلام از ظلم و عدوانت نهی فرموده (قال الله تعالی) ولا تعدوا ان الله لا یحب المعتدین (چهارم) اقتدار اشراف بر اموال و نفوس نوامیس مردم و بردن مناصب بدون استحقاق و دعوی فضیلت بر خلق بنسب و شرف و ترک مسابقه در تقوی و ملکات فاضله که ما هم هنوز از آن بی بهره نیستیم با آنکه دین حنیف اسلام کاملاً از این اساس ظالمانه منع فرموده و موجب تفضیل را تقوی قرار داده [قال الله تعالی] یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکر مکم عند الله اتقی کم (

پنجم) انحطاط معارف بواسطه حرمت آموختن غیر احکام کتب قدیسه یارم با کنائس دیگر که بحمد الله دین مقدس اسلام معارف مدنی را از واجبات نظامیه و نوعیه که بلسان فقهاء اسلام از

واجبات گفتنی است اعلام فرموده و باز ما در دهان تنهایی بی حس  
یستی معارفمان بحدیست که برای اداره نشئون داخله مملکت خود  
محتاج بمستشاران خارجه هستیم!

(ششم) شیوع خرافات و باطایل حتی آنکه برای تشخیص مارق  
و دست آوردن اموال مسروقه با اعتقاد خود احتضار بری مینمودند  
و بتوسط طفل نابالغی که بخوردن معجونیکه او را بحال خشوع  
میآورد و کشیدن افیون و قلیانهای بلند هلمندی مارق و اموال مسروقه  
را باین ترتیب سخت رجم الغیبی تعیین مینمودند

(هفتم) اهمیت ندادن بکشتار با اعتقاد آن که حیات جاودانی  
هر کس در آسمان است

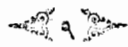
(هشتم) رقیبت و کینه‌بازی زنان و محروم بودنشان از ارث و  
مالک شدن - و از جمیع حقوق اجتماعی - حتی آنکه بر جنس  
لطیف زن خنده و خوردن گوشت را حرام می دانستند  
و بر دهان ایشان قلمهای آذین میگذاشتند و بر زن انسان و  
حیوان این جنس لطیف را جنس ناخی فرض میکردند و از روح  
انسانیت این جنس را تهی مینداختند و فقط زهر را برای کینه‌بازی  
و استخدام و اشغال شاقه بامارت میبردند

این سلسله از توحش و همجیتر شورش فرانسه و انگلستان رفته  
رفته اصلاح نمود و تا یک اندازه امکانات نورانیست حالت روسیه  
را برام مدنیت آشناکرد و برای شکستن غل و زنجیریکه بگردن  
زنان انداخته بودند ضابطه صلاحی بنام [آزادی زنان] در اروپا



بلند شد و مردمان فرزانه ئیکه خود را شهداء و فداکاران راه  
معاد و تعالی جامعه خویش مینمودند برای استخلاص جنس  
انثی از این کظمه ئیکه حیوان زهرم بماده خود روا نمیدارند  
فرمان آزادی زنان را گرفتند و ایشانرا از آن شکنج و سختی  
نجات دادند

وای چون برده پوشی زنان اروپا و انفصالشان از اخلاط با مردها  
و انحرالشان از جمیع حقوق اجتماعی - و بشری بطور افراط بود  
صحبیه ئیکه برای استخلاص ایشان در اروپا بلند شد نیز بطور  
تفریط بوده و این صدا را آن قدر رساندند که بجامعه نسوان  
اروپا کاملاً زیان وارد ساختند و از جان بازی و کوشش خود در  
راه آزادی عکس نتیجه گرفتند - و وظائفی را بایشان محول  
نمودند که در حقیقت محو خصائص این جنس لطیف را مینماید  
چند آنکه توسعه آزادی ایشان نتیجه اش این شد که دوشیزکات  
در کارخانه آتشین خدمت گذار باشند - گرچه این برده  
دری و آزادی نامحدود زنهار یکدسته ئیرا برجسته نموده  
و مورد غبطه و حسرت کوچک نظر آن قرار داده چه آنکه  
در زنان اروپا مساجر و دکتر و وکیل عمومی و مهندس  
و کسبیتان جهاز و شفراتو مپیل و آیروپلان دیده میشود  
ولی اگر از این نعم کوچک که مورد غبطه ها است و بشهادت  
ملاء اقتصاد و اجتماع و عمران اروپا زبان جاری است چنانچه



معلوم خواهد شد چشم ببوشیم و بایک نظر او سعی بجماعه بزرگ  
نان اروپا و امریکا بنکریم صد هزاران دختران کلر خسار را در  
زاعمال شاقه برای تحصیل پول بخواهیم دید که بجوانی و زیبایی  
خود خاتمه داده اند \*

اگر بکار خانه جات آتشین اروپا و امریکا نظری نمائی بر پرویان  
ناکام را زیر بار زحمت و مشقت طاقت فرسا خواهی دید و مخازن  
تجارت را از دوشیزکان امریکائی بیش از امتعه تجارتی مشحون  
خواهی یافت که برای یک اجرت ناقابل از وظائف عائلی که  
بجماعه بشریت خدمت گذار است دور مانده و بار گرانیکه مردان  
باید برای راحتی ایشان در مقابل خدمات بناموس اجتماع که  
در عهده ایشان است بدوش کشند متقبل شده اند

فیلسوف اشتراکی برو دون در مسئله تقدم مرد و زن در میدان  
عمل و تحمل سختی میگوید نسبت مجموع قوای مرد نسبت بمجموع  
قوای زن نسبت سه است بدو پس نتیجه روح آزادی که مرد ها  
از برای ایشان طلب مینمایند تسجیل تفاوت قانونی است برای  
جنس اگر نگوئیم نتیجه این افراط تسجیل عبودیت ایشان  
خواهد بود \* انتہی \*

و \* ژوست کنت \* مؤسس علم اجتماع بشری در کتاب نظام  
سیاسی میگوید اگر جمعیت زنان باین مساوات مادی برسند که مدافعین  
از حقوق ایشان باسم آزادی دوشیزکان سعی دارند هر آینه آن ذمه  
داری و ضمانتیکه از ناموس اجتماع بشر بایستی زنان داشته باشند

فاسد خواهد شد بمقداریکه حالت ادبی ایشان فاسد میشود چنانکه نتیجه مساوات مادی زنان با مردان خضوع این جنس لطیف . . یعنی زنان است با غلب صنایع و نتیجه این خضوع رقابت و مزاحمتیکه همیشه نصیب کارگران است و باین شرکت مادی آن رقابت و مزاحمت کارگری در جامعه زن و مرد نیز رواج میگردد و از حالت ادبی و مهربانی بین جنسین منع مینماید این است که منابع اصلی محبت متبادله بین زن و مرد البته نا بود خواهد شد . انتهی ]

وهیئت اجتماعی اروپا احساس این لطمه اجتماعی و اندوه بشری را نموده اند این است که برجسته کان از علما اجتماع و عمران اروپا فریادها زدند و مردم از آثار و خیمه این غائله استغاثه ها کردند و لی سختی ارجاع عالم نسوان از کار بخانه ها و مشاغل و اجرت های کم یا زیادیکه عادت کرده اند مانند دشواری دعوت مردان است که از اعمال و اشغال خود دست کشیده و کار زن ها را اختیار کنند ولی چون شرکت زن ها بامرد ها در اعمال از حد اعتدل بیرون رفته و ترك وظیفه خود را كاملا نموده اند البته برای عقاب و زجر براین افراط در يك دور دیگری منتهی بعکس خواهد شد چنانچه از آن سختی و فشار تاریخی زنان در قرون وسطی بحالت حاضره منتهی شد .

منجمله از فریادهائیکه جگر هر غیور را میخراشد صیحه علامه اشتراکی (فوریه) است مینویسد : آیا چه حالتی دارند دوشیزکان

امروز ؟ زنده گانی نمیکنند این بیچاره گان مگر با حالت یأس و حرمان حتی در عالم صناعت چه آنکه کارخانه های صناعت عموماً مورد تراحم و تهاجم رجال است . و از برای این پریرویان در کارخانه های یستم از قبیل خیاطت و نخ بافی بزرگت جای پیدا میشود .

و علامه اقتصادی فیلسوف کبیر ( ژول سیمون ) مینویسد که زنان امروز اروپا عمر خود را یا در کارخانه پارچه بافی و یا مطبعه ها و یا کارخانه های حکومتی میگذرانند و در مقابل این زحمات قدری صاحب پول شده اند ولی در عوض قامت رعنائی این جمعیت خمیده و از سختی و بسیاری کار رنک طبیعی ایشان پریده این جمله از شهادت است که بزرگان اروپا نسبت با آزادی کنونی دوشیزگان خود میدهند که در حقیقت حمایت کنندگان از حریت و آزادی ایشان باید در مقابل این شهادت خجل و شرمند باشند چه آنکه در اروپا بیش از سی ملیون دختران ماه رو در مقابل آتش کارخانه ها بدن خود را تفتیده و گلبرخسار خود را افشرده نموده اند

تا اینجا معلوم شد که در قرون وسطی حالت فلاکت و اسارت زنان اروپا جوری نبود که قابل مسامحه باشد و فریاد طرفداران حریت و آزادی ایشان از آن قساوتهای طاقت فرسا بواسطه سلاسل ظلمی بود که از سوء تأثیرش موالید اروپا رو بنقصان و وفیات زنان بیشتر از مردمان بچند برابر شده بود و نیز بشهادت

بزرگان اجتماع و عمران اروپا واضح شد که آزادی بطور افراط  
 زنهای امروز غرب مانند اسارت و رقیت سابقشان جامعه اروپا را  
 بکمی موالید و کوتاهی عمر دوشیزکان و فساد اخلاق و مخوزیبائی  
 زنان و نابودی محبت متبادله بین زن و شوهر و انهدام ذمه  
 داری زنها از جامعه بشري و تشکیل عائلی - تهدید مینماید  
 اکنون باید موضوع حجاب را با يك تعمق و نظر منصفانه تحت  
 مطالعه در آورده و بحقیقت صلاح یا فساد این موضوع بدون  
 تحرب و تعشق بیک مسلکي از نقطه نظر مضار و منافعش نسبت  
 بجامعه بشری سنجید - عشاق و هواخواهان بي برده گی دوشیزکان  
 مسلمان باید از این نکته غافل نباشند که دین متین اسلام حقوق  
 ارزنان طرف مراعات کامل قرار داده حتی آنکه هیچ شوهری  
 زن خود را نمیتواند بمرضه گری و شیر دادن بطفل خود مجبور  
 کند - و هیچ خدمتی راجز تمکین از فعل جنسی نمیتواند از  
 او بطور لزوم در خواست نماید و زنان را دین مقدس اسلام از  
 اختلاط بامرد ها بشرط عصمت و عفت و پوشیدگی برای دفع حوائج  
 خود از قبیل معالجه پیش طیب یا آموختن واجبات شرعیه  
 چنانچه در عصر حضرت ختمی مرتبت در مسجد النبی حاضر می  
 شدند یا واجبات نظامیه که همیشه طرف حاجت جامعه است  
 از قبیل علم تدبیر منزل یا علوم دیگر ماسد امیکه در نتیجه اش  
 فساد نظام نوع نباشد منع نفرموده حتی آنکه در محاکم قضا  
 شهادت زنان با کیزه دامن با تقوي را امر بقبول فرموده

بلي فقط چند چیز است اذهان ساده کسانی که دوست دار آزادی زنانند گرفتار اشتباه نموده و گمان کرده اند که این جنس حقوق شان مراعات نشده و در جامعه اسلامی دچار فشار باشند و ما برای تنبیه و رفع اشتباه ساده لوحها بذکر موارد اشکال و جوابش میپردازیم \*

اول از اشکالات مسئله ارثیه زنان است که در اسلام نصف مردان قسمت دارند و این تفاوت همیشه مورد حمله ایشان شده و جواب از این شبهه واضح می شود باین که زن ها هر چند با سرمایه باشند در تکفل و نفقه مردانند و خوراک و پوشاک و سکنی ایشان دین لازمست بر ذمه شوهرانشان علاوه مالک بودن رجال بیشتر از اموال را سود اقتصادیش بیشتر است چه آنکه از مسافرت و تجارت و صناعت و زراعت نمودن مرد ها متمکنند و در نتیجه تحمل این سختیها زیانی بجامعه بشریت نمی رسانند بخلاف جنس زن که از قیام ایشان باین امور طاق فرسا بجامعه بشریت زیان وارد خواهد شد چنانچه از فراز های پیش در سلسله شهادت بزرگان اروپا معلوم نمودیم پس بواسطه ذمه داری رجال از نساء دو مقابل بردن مردان از ارث موجب پایمال شدن حقوق زنان نخواهد شد و اگر زن و مرد در ارث بطور مساوی نصیب داشتند یا مرد ها در فشار بودند در صورتیکه بر ذمه داری خود نسبت بجمع مایحتاج زن باقی میماندند و یا جامعه بشری کدکوب میشد اگر زن ها بجهت تحصیل معاش خود دوش بدوش مردها

با کمال مزاحمت و مراقبت از منابع ثروت تعقیب مینمودند چنانچه  
 حالت اجتماعی امروز اروپا بشهادت بزرگان بهمین زبان گرفتار است  
 دوم - از اشکالات مسئله اختیار طلاق است که حل عقده  
 زن وشوهری در شریعت اسلام بدست مردان است و مردم کوتاه  
 فکر این مطلب را يك لطمه بزرگی بر جامعه نسوان خیال کردند  
 و لی باید از خاطر مخو نمود که استقرار عائلی و فامیلی بشر  
 که زمینه نابی از برای از دیاد نفوس بشری و حسن تربیت  
 و عنایت بدارائی از سلسله موالید است منوط بر شایع نبودن  
 طلاق و چنانچه باز کردن گره زناشوئی بدست زنان باشد  
 و ایشان مختار باشند که هر وقت بخواهند از شوهر خود بیکانه  
 شوند واضح ترین مفسده این اساس شیوع طلاق و تشکیل  
 نیافتن عائلات بشری و زندگانی خانه واده گی  
 است و در نتیجه هدم اساس تربیت و دارائی سلسله موالید بشر  
 خواهد شد زیرا که زن ها بواسطه طبع نازك زود رنج و  
 ضمیر ساده فریب خوارشان بطلاق وترك شوهر اول یا دوم و اختیار  
 شوهر های تازه زود تر مبادرت خواهند نمود علاوه تفاوت زن  
 ها در جمال و عشق مرد ها بیرویان بهترین وسیله نیست که  
 مرد ها از شهوت نا محدود خود تعقیب نمایند و خود را در نظر  
 زنان زیبا آراسته و زیبا قلم دهند و ثروت راست یادروغ خود  
 را پیش چشم زنان زبور پرست نمایش داده بهر حيله و وسیله ئی  
 هست آن زنان شوهر دار را بر بایند و از حباله مردان اولشان

بیرون آرند و چند روزی یا ایشان هم بالین باشند —  
آیا طلاق نامه ها را در این زمینه که زن ها زمام دار طلاق  
هستند میشود احصا نمود ؟

و اطفالی که دور تربیت طوالتشان کامل نشده و بدست پدرانشان  
از بی شیرینی بخواب بیهوشی رفتند و آن پدرها برای تحصیل دایه یا  
شیر گاو در بدر میگردند و مادران آن اطفال بی گناه بخانه  
شوهر دوم یا سوم یا بیشتر رفته اند میشود تعداد کرد ؟

و شاید در نظر کسی جلوه کند که این سلسله مفاسد از تشریع  
قانون طلاق است چه آن که از مه حاش دست زن باشد یا مرد  
ولی نوع مردان دنیا پس از زحمات و نصف کردن عمر طبیعی  
در کار خانه ها و معادن و مشقت های طاقت فرسای فلاح و زراعت  
و غیره خیلی که خوش بخت باشند قادر بر اختیار يك زن  
خواهند شد و پس از ازدواج بازشت و زیبایی آن زن تا ممکن  
است میسازند و قهراً بجامعه بشریت و تشکیل عائله خدمتگذارند و از  
طلاق که ایشانرا مجبور میکنند که با بیزن بمافند و با زن دیگری  
بگیرند که هر دو نوعاً کاریست دشوار و مخالف با اقتصاد مرد ها  
است - نحرز خواهند نمود مگر آنگاه کارد بآستخوانشان رسیده باشد  
پس برای چنین مواردیکه جز طلاق علاجی نیست شرع آگاه بصلاح  
و فساد برای حفظ نظام قانون طلاقرا تشریع فرموده - چنانچه  
عصر تمدن از قوانین کنیه که طلاقرا منحصر بفاحشه شدن زوج  
و با دخول یکی از زوجین در رهن و شرط بندی و با عنیم بودن

زن میدانستند و بغير از این موارد را اجازه نمی دادند اعراض کرده و امم لاتینی مانند فرانسه و ایتالی و بلجیک بایک تضییقات کمی بحیلت طلاق عقیده و عمل دارند و امم جرمن مانند انگلیس و آلمان با یک حیلت مطلقه از طلاق استقبال نمودند و نثراد املاو مجد متوسطی از قانون طلاق پیروی دارند

سوم از آنکالها که مورد تنقید هوا خواهان آزادی زنان است مسئله حجاب است که موضوع بحث ما است و مفسد حجاب را که در نظر ایشان جلوه گر است ما بطور فهرست یک بیک با جوابش را ذکر خواهیم نمود

[اول آنکه پرده پوشی دوشیزکان یک ظلم و احجافیت بر این جنس لطیف چه قدر شبیه است تکلیف بحجاب آنکه تکلیف نمایند که زنها گوشه‌های خود را پیمه بگذارند تا نشوند و چشمهای خود را به بندد تا نه بینند •

(جواب) از این اعتراض بچند راه ممکن است جواب داده شود (اولاً) آنکه اگر در بی پرده گی زنها مفسد اجتماعی و ادبی و اقتصادی و سمرانی باشد چنانچه خواهد روشن شد تکلیف بحجاب مانند تکلیف اطفال است بدبستان رفتن و دانش آموختن و یا مانند تکلیف مریض است بخوردن دواهای تلخ و گویا هیچ وجه شبیه گوش و چشم بستن نباشد

و ثانیاً آنکه امر حجاب در جامعه زنان تا یک اندازه امریست فطری ایشان - چه آنکه بتاریخ زنان عالم رجوع کنیم

و برده پوشی یا برده دری ایشانرا بسنجیم بیشتر زنان دنیا را در قرون وسطی مخجبات خواهیم یافت - (دائرة المعارف لاروس) مینویسد که زنهای قدیم یونان صورترا بیک طرف از مقنعه یا سرپیج بزرگ خود میپوشانیدند و بعضی بنقاب زیبا جمیل الصنعة مخصوصی که مصنوع [جزائر کرس] و [امر جرس] بود صورت خود را پنهان میکردند و فنیقیها نقاب سرخی بصورت میگرفتند و یکی از قدیم ترین مؤلفین یونان نقل کرده که (نیلوب) زوجه (عولین) پادشاه جزیره *ایبک* *ایبک* بنقاب بیرون میآمد و زنهای شهر *ایبک* *ایبک* بیک حجاب و نقاب مخصوصی که عبارت بود از پرده *ایبک* *ایبک* مجازی دو چشم برای دیدن سوراخ داشت بصورت میگرفتند و در *ایبک* *ایبک* دوشیزکان بیپرده در مقابل مردان میآمدند و لی پس از اختیار شوهر برده پوش میشدند و نقوش قدیم نشان میدهد که زنهای سر را میپوشانیدند ولیکن هر وقت بیازار میرفتند لازم بود که صورترا بیوشانند و زنان *ایبک* *ایبک* و شعوب نازله در آسیای صغیر و میدها و فرس و عرب محجبه بودند

و نیز صاحب دائرة المعارف لاروس *ایبک* *ایبک* مینویسد که زنان رومانی در امر حجاب فوق العاده علو داشتند بدرجه آنکه زن قابله ماما از خانه خود بیرون نمیآمد مگر با کمال حیا و صورت را نا حد چشم میپوشانید و ردائیکه بپاشنه بایش میرسید بدوش میگرفت و رداء دیگر بر سر میبنداشت بسمیکه شکل قامتش معلوم نمیشد [اشهر]

از این سلسله اطلاعات معلوم میشود که تکلیف بحجاب  
فی الجملة تکلیف بیک فطرت اولیه زنان که ناشی از غنث ذاتی  
ایشان است بوده چه آنکه در آن زمان با اختلاف طبقات نشان  
در دین و آئین کم یا بیش از افق احتجاب دور نبودند و این  
تکلیف بر خلاف فطرت اولیه عالم نسوان نیست تا اینکه ذاتاً  
در عداد مظالم شمرده شود

و ثانیاً ( برده رقیق نازکیکه چهره دوشیزکان را از آفات  
باد و خاک و آفتاب و گرما و سرما نگاه دارد و در حقیقت  
حافظ زیباییکه بهترین متاع ایشان است باشد نمیشود در ردیف  
مظالم و از موجبات محو حقوق و فشار بر زنان او را شمرد با  
آنکه منافع صحی همین تقابلیکه از دیدن حاجب نیست و از دیده  
شدن حاجب است پس است که بگوئیم هواخواهان رفع حجاب  
در حقیقت خواهان ظلم میباشند و باین پیشنهاد باینرا بعالم  
نسوان متوجه میکنند

[دوم از مضاریکه در حجاب تصور کرده اند آنکه دوشیزکان  
از تربیت و معارف بواسطه برده پوشی محروم میمانند و مادر جواب این  
شبهه بی اساس در فراز هیای پیش گفتیم که لزوم تربیت برای  
زنان خصوص تربیت منزلتی و علم رزق و شناسائی امراض  
اطفال دخل کاملی در حفظ ناموس اجتماع دارد ولی خیابانها  
و شوارع مهد علم و معارف نیست بلکه مجمع فساق و شهوت  
رانان است و احتجاب در بازارها و خیابانها که تدریجاً اسباب

قطع طمع شهوت کاران میشود اگر وسائل تحصیل موجود باشد  
دوشیزکان بهتر بمعارف میتوانند بپردازند تا آرزوی بکس با سرهای  
رهنه دست بدست مردان اجنبی بدهند و از معارف و علوم فقط  
توالترا خوب بیاموزند و بمشروهای الکلی خود را عادت دهند  
چنانچه منیونها از دوشیزکان در اروپا و امریکا بهمین زبان  
مبتلا و گرفتارند

(سوم) از مفاسد دیگری خیال میکنند از ناحیه پرده پوشی  
دوشیزکان است فساد اخلاق است و این شبهه از شبهه پیش  
بی اساس تر است چه آنکه ماده فساد اخلاق از اختلاط مرد و  
زن برخاسته میشود و حجاب اگر یکنه علت قطع ماده فساد  
نباشد در نظر شخص منصف هوشمند از بزرگترین موانع فساد اخلاق  
بشمار است و نظر شهوت کار است که این خیالات را از عیوب  
حجاب قرار میدهند

(چهارم) از مضار جبراً شیوع طلاق قرار داده اند و این  
ضربه قاسیه را که در حقیقت زخسار ناموس اجتماع بشریت را  
خجل و شرمسار نموده در نتیجه پرده پوشی دوشیزکان محسوب  
نموده اند باحتجاج آنکه از دواج و زناشویی مرد و زن بطور  
پوشیدگی و زیر برد و کور کورانه واقع میشود و ثمر آن در اضعاف  
ندیده میدهند و از اخلاق و اطوار یکدیگر بیخبرند بکمربند باید  
در ليله زفاف برای عقد زنده کانی جاودانی دو شخص اجنبی  
و از هم بیگانه عهد و پیمان یکدیگر دهند و چونکه پرده از

رخسار آن نو عروس گرفته شود یا داماد صورت او را زیبا  
نمیباید و یا پس از چندی اخلاق او را با خود ناهموار مینماید  
این است که بجدائی منتهی خواهد شد

و جواب از این خیال اولاً در شرع مطهر اسلام مردیکه  
خواستار زنیست حق دارد پیش از عقد آئین را به بیند  
﴿نافیاً﴾ اگر ما بایک نظر منصفانه بی وارد این موضوع شویم  
کاملاً خواهیم تصدیق نمود که هر جا فحشا و فجور شیوعش  
بیشتر است صیغه طلاق آنجا زیادتر اجرا میشود و طلاقنامه  
آنجا بیشتر نگاشته میگردد و بالاخره زنهای مطلقه را آنجا زیادتر  
خواهیم دید چرا؟؟ آیا میشود آن طلاقها را نسبت بحجاب داد  
با اینکه بیشتر آن طلاقها بواسطه آن است که در شوارع و  
خیابانها مرد ها زنهای دیگری را دیده که در هر گذری خود را  
آراسته کرده مهبای ربودن مرد ها شهوت برتب بودند و بواسطه  
دست رسی بآنها چشم عیب جوئی نسبت بخاتم پاکیزه دامان خود پیدا  
نموده و رفته رفته خود را از آن طاهره خانه خود بی نیاز  
و باین واسطه تولید یک شقاق فامیلی شده که در نتیجه اش مادر  
اطفال مطلقه و طفلها بی مادر مانده اند آیا این تنگ شرم آور  
از نتایج حجاب است یا از آثار بی برده گی و سهولت دست آویزی  
بفسق و فجور؟؟ این است که در دهات و شهر های کوچک در  
عقد و نکاح محتاج باخوند هستند ولی در طلاق بسیار کم محتاج  
میشوند و همان زن اول رفیقه حیات ایشان است این نیست مگر

بواسطه شایع نبودن فحشاء در دعوات و قصبات علاوه بمجرد تنزه  
در خلوت یا جلوت و معاشرتهای آبرو مندانه که بواسطه خجالت از  
یکدیگر در اخلاق تعنع میکنند زشت یا زیبایی اخلاق هیچ یک  
از مرد و زن معلوم نخواهد شد خصوص اگر زیر پرده معاشرت  
خیال از دواج باشد چه آنکه بر طرفین کاملاً معلوم باشد یا اینکه  
بطور احتمال روح حساس زن از این خیال آگاه شود البته در  
این صورت تکلیف و تصنع و تزویر هر يك بمعاشرت خویش  
برده کشیده بمکارم اخلاق و کمال و مخاسن مخصال مجالس  
امنجات را خائمه میدهند آنهم در صورتیکه بمعاشرت و زواج  
غیر شرعی منتهی نشود

و چنانچه شیوع طلاق از سوء تأثیر حجاب میشود بایستی بر  
امریکا و اروپا این ننگ کاملاً باطل و منسوخ باشد یا اینکه  
این امر شایع در این دو قطریکه مرکز بی پرده گئی و آزادی  
زنان است هر سال در نمو و ازدیاد است کاتب مشهور [لسون]  
میگوید در (کالیفورنیا) که یکی از ممالک متحده است در  
سنه ۱۸۹۷ دو هزار زواج واقع شد و ۶۴۱ طلاق یعنی در هر  
سه عقد يك طلاق واقع گردید و پس از این احصاء میگوید نشر  
طلاق امروز با قصی درجات مشغول سیر است و امریکه بسیار  
مدهش و ترماننده است این است که هشتاد طلاق از صد طلاق  
از طرف زنها در خواست میشود و این احصاء شاهد است که از  
مرد ها يك دور ضعیفی هست در باز کردن گره زناشویی و



اقدام بطلاق زبراکه مرد از اقدام در این امر تنگبین شرم دارد و لذا هر وقت از زن خود جسته میشود اول گوشش میکنند که از برای خود رفیقه حیاتی معین کند پس از آن اقدام بطلاق مینماید انتهی لکسون \* مفتونهای بی برده گی در مقابل این ایستانتیک و احصاء زنهای مطلقه آمریکا که مرکز آزادی زنان است چه خواهند گفت؟! آیا باز شیوع طلاق را بحجاب نسبت میدهند؟

علامه عمرانی \* جیوم فریرو \* در مجلد سنه ۱۸۹۵ از مجله المجلات فرانسوی مینویسد: «علاماتی که اذکار میکنند بنزدیکی جلول عدم توازن اجتماعی و نقص در موالید بواسطه این شکل از مدنیته که ما با او هم آغوشیم جداً زیاد است بقسمیکه نمیگذرد روزی مگر بر اندازات تازه واقف میشویم پس خوب است وظیفه طبیعتاً بر خود قرار دهیم و از این مرض اجتماعی تقدیر طبیبانه نمائیم و بدانیم که این شکل جدید از رهبانیت با آنکه مستند بهیچ دین و آئینی نیست تهدید میکند ما را که این رهبانیت تازه خواهند رسید بحدی که رهبانیت دینی در قرون وسطی رسیده بود - انتهی -

و چنانچه دوست داران رفع حجاب از کتب اجتماعیه باخبر بودند از گرداندن خامه خود را در موضوع و نسبت دادن این اوهام را بحجاب شرمنده میشدند

و ایضاً \* لکسون \* امریکائی مشهور در مجله ۲۵ از مجله المجلات فرانسوی در خصوص شمارش طلاقهایی که در امریکا که

مرکز آزادی است واقع شده مینویسد نظر باید که مجله  
 المجلات این احصاء و شمارش را از ما در خواست کرده  
 میگوئیم که محکمه ها در ولایت \* مامناشوزیت \* از ولایات  
 ممالک متحده ۱۳۲۲ ورقه طلاق در سنه ۱۸۹۴ ثبت نموده  
 پس از اینکه در سنه قبلش فقط ۷۷۰ ورقه طلاق ثبت شده بود  
 و اما در مملکت [اوهیوم] از ممالک متحده محکمه در سنه  
 ۱۸۶۵ - ۲۲۱۹۸ زواجی ثبت نمود که همان سال در آن  
 زواجهای ۸۳۷ طلاق واقع شد یعنی هر ۲۶۵ زواج دارای یک  
 طلاق بود و اما در سنه ۱۸۹۴ یعنی پس از ۲۹ سال عدد زواج  
 را محکمه ۳۳۸۵۸ و طلاق را ۲۷۵۳ سنجیل نموده یعنی در هر  
 ۱۲۵ زواج یک طلاق واقع شده و عدد طلاق بر حسب احصاء  
 صحیح در عرض ده سال از معدل خود بازده هزار اضافه و عدد  
 زواج در عرض آن مدت ۸۴۸۸۹ نقص پیدا نموده و مینویسد  
 عموم خلق از مرد و زن همه به تجربه دانسته اند که در هر شهری  
 از شهر های آمریکا و اروپا موانع زواج رو باز دنیا است و از  
 برای عقب نشینی امر زواج اسباب دیگری هست که قابل تعداد  
 نیست خصوص سلسله اسباب اقتصادی که از این مشروع مانع شده  
 حتی آنکه بسیاری از مردم چون از رفع آن موانع و تذلیل آن  
 اسباب عاجزند با نهایت رفاہیتی که دارند به عزوبت مبر می  
 نمایند باز می نویسند که علماء عمران بعاقبت و خیمه این امر که  
 متافی با سنن و قوانین طبیعیه است انذار مینمایند چه آنکه زنهای

اروپا و آمریکا بواسطه مزاحمتشان با مزد ها بر هیئت اجتماعی  
 بار سنگینی شده اند زیرا که از برای ایشان کار و راه معیشت بسیار  
 کم شده و چنانچه این احوال باین کیفیت باقی بماند زبان بزرگی  
 بعالم اجتماع خواهد رسید انتہی ﴿لسون﴾

و مجلۃ المجلات فرانسه در مجلہ ۱۸ در فصل زن می  
 نویسد: زواجیگہ پدران ما از را ضروری میدانستند در جمیع  
 نواحی مورد صدمه و لطمه شدیدی شده زیرا کہ تعالی و  
 ترقی عقای زنہا کہ از تربیت امروزہ نصیب برده اند و امداد این  
 حقوق روز بروز و مقتون بودن زنہا در خصوص تساوی حقوقشان  
 با مردہا و بسالآخرہ این سلسلہ افراط و تفریطہای مشہودہ  
 زواجرا کہ شعور و ادراک مشعشع را از او بارت بردیم نہدید  
 مینماید باز مینویسد ترک زواج و میل مردم بطلاق روز بروز  
 در ممالک آمریکا و اروپا در زیادہ است و این اعتصابات نسوان  
 مشعر بمرضیست کہ لازم است شرعین و مقلدین متنبہ باشند انتہی لسون  
 آیا اضداد حجاب در مقابل این شہادات و بیانات علماء  
 بزرگ عمران و اجتماع ممالک متمدنہ سر فرود میآورند؟ و تصدیق  
 میفرمایند کہ مسائل اجتماعیہ را باید باینک اطلاع واسعی تعقیب  
 نمودہ؟ و نکارندہ ٹیکہ درس اطوار امم و تأثیرات گوناگون عوامل مختلفہ  
 را در جامعہ بشریت ندانستہ و هنوز در آن دبستان داخل نشدہ  
 زمامداری از ناموس اجتماعی را نباید بعهده بگیرد؟

گمان نمیکنم شخص فرزانه منصفي بکتاب اجتماعی مراجعه نماید و کاملاً آن احوال را از نظر دقت خود بگذرانند و راضی شود که خامه خود را در اطراف بی پرده گی دوشیزکان ایران حرکت دهد و مصائبیکه ملل قویه از عالم بی حجابی دچار شده اند و با قلم درشت با هزاران جوش و خروش بزکان از علماء و مصلحین کتبرا پر نموده اذد و همیشه از وسائل اصلاح آن مفاسد پیجور هستند ملت نا چیز مقهور خود را دعوت نماید و با مانع داشتن نشر دعوت را در اطراف این موضوع يك بد بختی و شقائي از برای جامعه ایرانی نژاد بداند و تمام عیب و نقصهای اخلاقی و ادبی اجتماعی و اقتصادی را فراموش کنند و فقط از اصلاح جامعه در هم برهم ما خصوص بی پرده گی زنهارا تعقیب نمایند آری آنچه که موجب عشق و مفتون شدن بحالت حاضره زنان عرب گشته و مانع است از تأثیر صیحه هائیکه بمنزله يك سلسله دروس اجتماعی است فقط حالت با بهجت يك دسته از زبان اروپا است که با سرهای برهنه و منظرهای آرایش داده و لباسهای زیبا بین جزیره و احرام کستان متحرکی از پربرویان ناکام تشکیل شده است و برای مردها بهترین منظر دلفریبی مهیا گشته لکن ( ان تحت الملووع داء دويا ) از بیخافمانی آن بیچارگان از آن که باید بیشتر آنها درمهمان خایه های عمومی مانند مردان چابك مسافر اوقات راحت خود را بگذرانند و با هزاران مرد اجنبی محشور باشند و برای تحصیل معاش با هر وسیله طباقت فرسائی سازگار شوند و بالاخره فریب مردان شهوت پرست را

در همان مهمانخانه بها با مواقع دیگر خورده و آن مردی که با هزاران رنگ غیر ثابت خود را زیبا و با اخلاق نشان ۱۰۰ و آن دوشیزه را بقرینی خود برای تشکیل عائله دعوت نموده و بفریب خوردن و اجابت دعوتش در دام آن مرد حیل گرهشوت ران گرفتار شده پس از چند صباحی که آن زن را دارای چند طفلی نموده باشد فرار کرده و آن زن بی چاره بهترین و سائل راحت خود را در این پیش آمد ناگوار انتحار داشته و بخود کشی اقدام میکند - بی خبرند - و با امور اجتماعی که با امتحانات آزادانه اروپا پرده از سود و زیانش برداشته آشنا نیستند و یا این حمایت غلط فقط از روی شهوت و کامرانی شخصی است

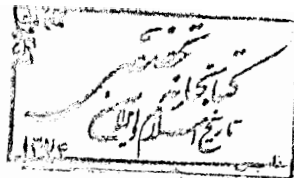
خوب است زنهاییکه در اروپا در اثر همین پیش آمد ها خود کشی میکنند از مصادر صحیحه نقل کنیم در جلد یازدهم مجله المجلات فرانسه مینویسد که در ایتالیا از سنه ۱۸۸۹ تا ۱۸۹۲ یعنی در مدت چهار سال پانصد و هشتاد و نه زن بانواع مختلفه در اثر ضجر شوهر های فرار کرده یا فرار نکرده هائیکه بدتر از فرار کرده اند خود را کشتند و در همین مدت در فرانسه هشتصد و شصت و نه حادثه خود کشی و انتحار در زنان واقع شد که معلوم میشود در هر سالی در آن مملکت تربیت شده دو هزار زن خود را تلف میکنند

این ها است آثار بی پرده گی دوشیرکن عجب است اشخاصی که از بی پرده گی زن ها حمایت دارند مخصوصاً تمام سلاسل مفاسد بی پرده گیرا باین پرده رقیق نسبت میدهند حتی آنکه در بعضی

منشورات عربي كه بنسب آزادی و اختلاط زنها و مرد ها نكاشته  
مینویسد كه ما اگر بخواهیم شهوت شهو زنان خاتمه دهیم یا از  
این عرق نفرسی قدری بکاهیم یكانه علاجش بی پرده گی زنان  
و اختلاط ایشان با مردان است آیا میشود این سخن را با هیچ  
منطقی بستجید یا آنكه شیوع فحشا و طلاق را روز نامه های  
امروز روسیه اعلام میکنند علاوه این اختلاط و بی پرده گی  
چنانچه در اروپای قانون شناس در ممالکی كه تنظیماتش سر مشق  
امروز دنیا است این مقدار تأثیر سوء کنند یا مملکت بی قانون  
ما یا شهوت های تا حدود ما با حس نیرنگ ریزی ما با شهوت  
دانی یون دار های ما با میجامع و نمایش های فرح و حزن ما  
چه خواهد کرد ؟

اروپائیکه نخوت جزء عنصر آن ها است با اشاره و غمزده های  
متبادله در شوارع و بازار ها با مراظبت پلیسهای کذر کار خود را  
میکنند ما با این ضعف نفس كه گویا شاهد و برهائی نخواهد ررز  
بی پرده گی زنان رخسار عصمت را چه اندازه خواهیم شرمسار نمود  
قوي تر منشاء عزوبت شیوع فحشاء و تسهیل و سائل مواصلات  
است چنانچه در فرانسه و انگلستان عزوبت شایع و مردمان ثاروت  
بواسطه بی نیازی از زوجات شرعی بر عزوبت باقی میمانند چنانچه  
در فرانسهای پیش معلوم شد و بهترین وسیله از برای تسهیل مواصلات  
شرم آور بی پرده گیست

و در خاتمه عرض میکنم اگرچه عقیده شخصی من آنست كه عفت  
و پرهیزگاری از فحشاء و محترم داشتن ناموس از خصائص زنان  
است و ای آنچه این پرده را میدرد شهوت بی پایان



مردان است دست شقاوت بخش مردان است که بکیش ملا و حسن عاطفه و شعوضیف پرستی بر کیوان بی گناه دوشیز خوش باور کشیده میشود و آن دوشیزه را با هزاران مانند آشنا میکنند و از بی عصمتی خود حصه باو میبخشند من عقد ندارم که رغبت و میل زنها بفسوق از مرد ها بیشتر باشد چنان مسلک بعضی است ولی بهترین وسیله از برای انقطاع مرد ها فجور و فحشا و تقریباً خنثی نمودن حیل هائیکه در محبت و عصمت زنان اتخاذ میکنند همین حجابیست که یکدسته ازها را بنام آزادی زمان خواهان رفعتش میباشند

و حجاب اگرچه در نظر بعضی دوشیزکان را قیدیست زحمت ولی جامعه بشر در سلسله زنده کانی خود بهزاران سله های سخت طاقت فرسا برای حسن انتظام و دفع آلام و ج منافع ضروریه کردن تسلیم داده اند پس این حجاب رقبه لگه بان عصمت دوشیزکان و بهترین حاجبیت از موجبات خانمانی و خود کشی و امراض بی علاج و اخلاق پست شقاوت ابدی و سقوط در جامعه بر فطرت معصومانه ایشان فطرت هر فرزانه سهل آسان خواهد بود

و ما در این مختصر مسئله حجاب را بنظر فلسفی و اجتماع و اقتصادی و عمرانی سنجیدیم و اما بنظر شرعی و تجدید حجاب و مقدار محجب بودن و معنی [زینت] و عورت و لزوم پوشان صورت موکول است بنظر دیگر که در این مجموعه موقع